

(۳) انتشار روزنامه های اسلامی بقدر امکان . در چین سه روزنامه اسلامی بودند نخست در پکن دوم در شنکهای، سوم در پنان ؛ ولی دو روزنامه نخستین تعطیل شده و اکنون تنها سومی باقی مانده است (۱)

(۴) تأسیس مدارس و آموزشگاههای منظمی که مدیر و کارکنان آنها مسلمان باشند

(۵) ایجاد اتحاد نام و شرکت در سعی و عمل و همکاری مسلمین برای تأسیس جمعیتی شبیه به جمعیت جوانان مسیحی .

آقای «ماه» میگوید: آنچه مسلمین را در این جان نگاهداشته و باعث عقب ماندن آنها گشته و نتوانسته اند بجای مناسب برسند این است که در جمعیت آنان شماره تربیت یافته اندک است ، آنها بمبلغین کانولیک شباهت دارند که نتوانسته اند در مدل جهان جز از طبقات پست کسی را به خود جلب و جذب کنند ، بنابراین لازم است در ترویج فرهنگ و معارف نامیتوانیم کوشش نموده برای مناصب حکومتی رجالی شایسته و لایق در میان مسلمین بوجود آوریم ، اگر در پنان ژنرال «مانسونگ» و سه تن دیگر از معاونین حکومتی را استثنائاً نمایم سایر معاونین مسلمان دارای مشاغل کوچک هستند .

سپس کوردیه گوید . سخن آقای «ماه» درست و صحیح است مثنی که از گروهی نادان تشکیل شده طبعاً در حال انحطاط می مانند و نیز گویند : اسلام در اروپا نخست بزور و جبر منتشر گشت (۲) ، ولی دیری نشد که در میان مسلمین علما و فلاسفه ای بوجود آمدند که واسطه میان

(۱) شنیده میشود که چندین مجله و روزنامه اسلامی بتاریکی منتشر شده

(۲) کوردیه در این مورد اشتباهی کرده که ناشی از عدم دقت و تحقیق است

عالم لاتینی قدیم و عالم مسیحی نوین گشتند، مجامع علمی عرب در قرطبه و امبیلیه و غرناطه و طلیطله نیز تأثیری فراوان در تمدن اروپا داشته است. سپس گوید: ولی در ممالک آسیا ارتش و لشکرهای چنگیز بدرب اینککه بهیزی از فتوحات علمی یا ادبی باصنعتی توجیهی کنند برآکنده شدند. سپس یادآور شده که انتشار اسلام در چین بوسیله سیاهیان بوده و همین سبب در محیط بحر مرفقی محصور شده و جمودیکه در منابع و بیخ و بن قدیمی آن بوده از انتشار در میان تمام محیط مانع گشته است. نمیشود انکار کرد که در ارتش چین افسر مسلمان پیشماری بوده اند؛ ولی رؤسای کشوری زیادی از آنها یافت نشده

گورده از مجامع فرانسوی عالم اسلامی نقل نموده که جمود، پیشرفت اسلام را در هند نیز متوقف ساخته و سرچشمه این جمود آداب اسلامی است (ه) سپس گوید: سبب باز پس ماندن تمام چین نیز آداب چینی است زیرا همانطور که «Reclina» جغرافی دان فرانسوی گوید چون ادب، چین قواعد کنفسیوس را در دل و جان نگاه داشته اند نمیتواند بیندارند که بهتر از آن هم یافت میشود، آنها باندیشه خود در برابر تجوی و جدول عوض نمیکند و ای در اثر آموزش و پرورش بویں شروع بتغییر کرده است سپس گوید: انجمن «شاه و هم» را گو اینک که تا کون کاری مهم انجام نداده اند نمیشود ناچیز و بی اهمیت دانست آنها در توحید نهضت اسلامی پیش میروند از روزی که در چین انقلاب جمهوری شده مسلمان چین مانند دیگران بجوش و خروش افتاده مجامعی تشکیل داده اند که هر يك بنات خود مستقل است ولی پیوسته با برادران خود روابط دارند. در «بناتکو» ژنرال «وانگک» رئیس جمعیت اسلامی بود، سپس ژنرال «هائسونگ»

بجای وی نشست. این جمعیت در نواحی و اطراف شبه‌ممالک داردرتین جمعیت هو معاون تارده جمعیت دارای يك مدير داخلی است که اینک امیرالای میباشند اداره زراد خانه بدست اوست او هم معاونی دارد که امروز یکی از بزرگان این ملک است و ناعش نیز «ما» میباشد

این جمعیت در جماعت اسلام آنت جا نفوذی دارد، شملوه پیشنماز را کم و زیاد میکنند، مدارس و آموزشگاه تشکیل میدهند، داد خواهیهای شرعی را دادرسی نموده و حکم میدهند
آقای «ما» که نهضت نوین را بوجود آورده «مجله سأمیس کرده موسوم به «مجله الجوامع» دوبار در اثر کمی خریدار تعطیل شده، اینک که سال ۱۹۲۱ میلادی برای باسوم منتشر شده است.

سپس گوید: باین مجله جریده دیگری پیوسته بنام «السراج المتلالی» چراغ در حشان» تصریح نموده، هر چه را علما و دانشمندان و فقها بنویسند می‌پذیرد و جزا رسال روزنامه مجانی در برابر چیزی نمیدهند، نقش و تصویر را منتشر میکند و بصورتگر پاداش میدهد و اگر کسی روزنامه چیزی کمک نمود نام او را مندرج ساخته، از او سپاسگذاری خواهد کرد، و اگر اعانه معنایه باشد تصویر او را نیز منتشر میسازد.

سپس کوردبه پاره ای نمونه از نشریات این مجله نقل نموده: از این فیل که چون نفوذ و تأثیر سخن در جامعه بنسبت دانایی و دانش گویند ما است مسلمین باید بتحصیل دانش و علم پردازند

منالی دیگر: فرهنگ در اروپا ترقی نکرد و بار و ثمر نداد جز پس از پیدایش پرستانتها و اگر اسلام نبود، اروپا در تاریکی جهل و ظلمت نادانی می‌ماند و مردم آنجا اچار بودند برای آموزش و پرورش بیلاذعرب

رود و فرهنگ و دانش در آنجا آموزند

مثالی دیگر: هنگامیکه مسلمین در غرب اسیر ستم و گرفتار ظلم و جورند؛ ما گروه مسلمین در چین آزاد بوده از حقوقیکه سایر هموطنان بهره‌مند میشوند بهره میبریم^۱ بهمین سبب لازم است با آموزش و پرورش پرداخته باین وسیله برای عظمت چین کوشش و مجاهده کنیم

مثالی دیگر: اگر ما جز عربی را بیاموزیم در کشور خود مانند کرو گنگ خواهیم بود^۲ و اگر جز چینی را تعلیم نگیریم نمیتوانیم با خراج مربوط و با مردم دنیا آمیزش نمائیم بنا بر این بر ما لازم است دوزبان بیاموزیم^۳ و چون استادان مسابطور شایسته چینی را نمیدانند اگر بیکار شوند تحصیل روزی بر آنها دشوار میگردد

در یکی از شماره‌ها مردم را تشویق میکند که جمعی را براهنمائی دران و گروهی را براهنمائی نوجوانان گسیل دارند
در شماره دیگر آگهی میدهد که: روزنامه سرمایه ندارد و وسیله اعانه و کمک اداره میشود و چون هزینه و مخارج حتمی است و ناچار باید پرداخت سزادار است مشترکین وجه بدهی خود را بابت اشتراک بپردازند
در شماره دیگر گوید پیوسته از «توسیه» پيشوای انقلاب بنان^(۱) یاد میکنید در صورتیکه فراموشتان شده که وی جز برای براق کردن سلطنت «مانشور» قیام نکرد و خود در تمام احوال کلام بگام سلاطین قدیم میرفت و رفتارشان مانند آنها بود تا آخر

در یکی از شماره‌ها میبرسد: آموزش و پرورش دختر لازم است یا نه^۲ سپس بلزوم آن پاسخ داده گوید: نیروی ملل اروپا از این ناشی

(۱) از سال ۱۸۵۶ تا سال ۱۸۷۳

است که تمام مرد و زن اروپا تعلیم یافته اند .

در شماره دیگر گوید ، وظیفه آئین نیست که بظاهر سازی پردازد بلکه بعمده او است که حقائق را بمردم بیاموزد :

گوید ، همین سبب قویتر و بیرومندترین ادیان بودایی و پرآستانی و اسلام است .

گوردیه گوید: جمعیت مجله از جمعیت اسلامی و از مجامع اوقاف و از گروه طلاب قدیم مسلمین و از جماعت مدرسه عربی در استان ینان و از ائمه مساجد و از مردم با نفیرت قراهم آمدهاند .

من دوست داشتم ، این کتاب آقای کوردیه را که راجع است مسلمین ینان خلاصه کنم ، زیرا آنان نمونه تمام مسلمین چین هستند و ینان یکی از استانهای آنجاست و استانهای چین مشابه اند ، مسلمین هم گو اینکه نژاد آنها مختلف باشد مخصوصاً زیادتر از سایر ملل بیکدیگر شبیه میباشند و نیز از نویسندگان روزنامه مسلمین در ینان نمونههایی نقل نمایم زیرا روزنامه عقاید ملت و طرز فکر و اندیشههای باطنی آنها را بهتر از هر چیز مینماید

منظر ما آنچه از کتاب گلچین کردیم نسبت با آنچه خوانندگان در این بلاد لازم است بدانند کافی است . بخشی از این کتاب را هم که راجع بشورش عظیم و مشهور ینان است پیش مختصر کردیم ، اجمالاً مسلمین بر ولایت ینان پیروز شده امور آنها را با اختیار خود گرفته بودند ، پیشوای این شورش عملاً سلطان آنها گردیده سیزده سال استقلال داشتند عاقبت چینیها میانشان اختلاف ادا کردند ، پاره ای را بضد پاره ای دیگر بر انگیزند آتش فتنه میان آنان روشن کردند ، آنان هم افتاده مانند بسیاری از هموطنان خود شوکتشان برباد و قدرشان نابود گردید کار بکشتری

رسید که در تاریخ مانند آن کمتر دیده شده و تا کنون مسلمین زینت
توانسته‌اند این کشور را که صدهزارها نابود و بنده شدند جبران کنند
کوردیه کتاب خود را به اختصری خاتمه داده که بر حالت اسلام
در چین در برابر بانی اسلام یعنی جامعه اسلامی دلیل است. آنچه مسلمین
چین قلقت نموده بلکه از مسلمین هند و مسلمین جاوه و توابع آن
و مسلمین فیلیپین نیز گفتگو کرده اینک ما رأی و نظریه او را راجع به
حالت اسلام در این چهار ناحیه باختصار نقل میکنیم :

رأی کوردیه راجع بحالت اسلام در چین ، هند ، جاوه ، فیلیپین

گوید: نهضت این سه دلتوهاب در باب جزیره العرب را اروپا نداشته
نهضتی عربی است نهاده وسیعی دارد و عظمت سلطنت عربی را به خود اهد
از سر بگیرد ولی از آن محمد علی آنرا خاتمه داد .
سپس گوید: بسیاری از مورخین اروپا که «لوروب ستودارد»
مردسته آنها است می‌نمایند که «عالم اسلامی» در مخاض شدیدی است
و دویمت و پنجاه میلیون مسلمان که از مراکش تا چین و از ترکستان
تا کونگو را کهنه اند بافکار نوین متأثر شده و در جنب و جوش هستند
آنها بزودی دو دوری جدید وارد میشوند و ممکن است در تمام عالم
انقلابی بوجود آرند . کوردیه گوید: بنابر این سزاران بیست فرانسه تنها
مراقب حرکات مسلمین الجزائر و تونس و مراکش باشند بلکه لازم است
حرکات مسلمین آسپارا نیز از نظر خود سازد آری مسلمانانیکه در مستعمره
فرانسه در هند و چین هستند شمارشان اندک است ولی مرکز این مستعمره

بزرگ میان چین و هند و مالزی و فیلیپین واقع شده و اسلام در تمام این نواحی زایش کرده و پای بر جا است؛ بنا بر این بر فرانسه لازم است مراقب روس و افکار اسلامی در آسیا بوده و روابط آنرا بداند؛ زیرا همیشه شورشها ناشی از یکجهد شدن افکار جدید است.

سپس کوردیه نهضت اسلام را در هند شرح داده گوید: در هند هندوها که استقلال کامل و تمام را میخواستند فریاد «باندیمشان» یعنی درود بر عیبهن مادر» زدند معنی این سخن نزد ایشان بیرون کردن هر سگانه حتی اسلام از هند بود؛ به همین سبب مسلمین در برابر آنها قرار گرفته یار و یاور انگلیس گردیدند سپس جنگ عمومی درگیر شده و انگلیس ترکیه را پاره پاره کرد و چون مسلمین دیدند که وی خلافت را برافکنده و ترکیه را نابود میسازد خشمگین شده در کنار هندوها جای گرفته با آنان هم آواز گشتند اینک نخستین بار است که این دو دسته در اثر سوء سنیست انگلیس متحد شده اند.

اما در بلاد «اندونسیا» یعنی مستعمرات هلندی جاوه و سوماترا و توابع آنها پس از آنکه کوردیه تاریخ دخول اسلام را شرح داده بحالت حاضر مسلمین این جزائر رسیده گوید: اسلام آنها رنگ و بوی زیادی ندارد؛ بر عالم اسلامی جز بشمار عدد چیزی نیافزوده اند هلند نیز آنجا را مدنا را جوری اداره کرده که راهی برای شورش نیست خلاصه مطلب اینست که مسلمین اندونسیا بعلم و دانش پرداخته میگویند بوسیله فرهنگ این حق را دارا شوند که امور را خود و برای خود اداره کنند با این حال پاره شورشها هم روی داده مانند واقعه بلاد «اتشبن» این واقعه قدیمی است و میگویند اصل آن ناشی از غلط کاریهای هلندیها شد که بنگانهایی را بجای

گنلهکار گرفته و در پاره ای جاها بستم و خونریزی پرداختند سپس از اسلام فیلیپین سخن گفته گوید: در این جزایر که آنها را «میندائلو» گویند و در مجمع الجزایر سولو پیدایش اسلام در همانوقت بوده که در یورثو ظهور کرده، گویند بازرگانان عرب اسلام را در آنجا وارد ساخته اند، نخست آنانرا «مورو» میگویند هم انطور که به اسپانیا این اندلس گفته میشود سپس عمومی شده بمسلمین فیلیپین رسید. وجود اسلام در این جاها از سال ۱۵۰۰ شروع شده، سلطان بورنئو دختر سلطان میندانا و را بزناشومی گرفت و سلطنت سولو را که بعدها ناتوان شد تأسیس کرد و چون میان اسپانیاییها و مورو از دوره اندلس دشمنی بود، اسپانیاییها بر مسلمین سخت گرفته آنها را در فشار گذاردند، بهمین سبب از سال ۱۵۷۶ در «لوسون» شورش شروع شده جنگ میان دو طرف درگیر شد، از سوئی اسپانیایی جنگ صلیبی بودند و از سوئی مسلمین که در راه خدا جهاد می نمودند سلطان سولو از سایر رؤسا و بزرگان مورو سخت تر و در مقاومت و پایداری توانا تر بود، اسپانیاییها استقلال او را در سال ۱۸۳۶ تصدیق کردند ولی پسال ۱۸۴۴ باز گشته پیکار را از سر گرفتند و تا سال ۱۸۵۰ زد و خورد آنها طول کشید، سپس به سال ۱۸۶۰ صلح کردند و در سلطنت و قلمرو او جز سیادت اسمی تا سال ۱۸۷۶ نفوذی نداشتند.

چون امریکاییها ولایات متحده فیلیپین را از دست اسپانیا بیرون آوردند کلاسلاطین مورو آسان شد امریکا بکار آنها اهمیتی نداد ولی عقبت باشتباه خود بی برد آنها در ظلم و جور و کشتار تا جایی رفتند که امریکا رنجید، او پنداشت بوسیله آموزش و پرورش و افتتاح مدارس صلح و سلامت و آسایش و سعادت میرسند، فیلیپین وعده استقلال داخلی داد

مسلمین چین

ولی در این آرزو و وعده عجله و تند روی کرد. (۱)

کوردیه گوید: تمام این شورشها از بنیاسلامیسم ناشی نشد؛ از ارتباط عمومی مسلمین بیکدیگر بوجود نیامد؛ از مجرد کینه و دشمنی با بیگانه نبود؛ نهضت اهالی برای مطالبه حقوق خود از مردمی که بر آنان استیلا یافته اند ناشی و این درخواست سرچشمه تمام این شورشهاست؛ یکن مسلمندان با نادان یافت نمیشود که امیدوار نباشند روزی بلاد اسلامی بزرسیادت یکنفر جمع شوند و مسلمین در اوت خلفا را از سر گیرند آری چون بیشتر مسلمین رعیت بیگانگان گشته اند پاره‌ای پاره‌ای دیگر در اثر اتحاد عقیده و تشابه در مصیبت وارده بهم نزدیک میشوند؛ این نیز کمترین شکستی و حیرتی ندارد سپس کوردیه بشرح سرچشمه اسلام باز گفته گویند هیچ آئینی از آئینهای بزرگ نه زردشتی و نه بودایی و نه نصرانی باقی نمانده که سرعت انتشارش بسرعت انتشار آئین محمد (ص) رسیده باشد؛ زیرا وی بدون یار و یاور در مدت سه قرن از پیره تا جبال هیمالیا و از مرکز آسیا تا نواف افریقا امتداد یافت این سرعت نیز سببی نداشت جز ضعف کشور بیزانسی و ایران و جرمت و حسرتی بی پایان و یردای و شجاعت فراوان عرب و سادگی عقیده ای که ترویج مینمودند سپس در اثر آمیزش غالب بمغلوب هنگامیکه باختر در ظلمات و تاریکی سرگردان بود تمدن اسلامی با درخشندگی فراوان بوجود آمد (۲)

جز اینکه درخشندگی اسلام طوری نکشید که خوش درخشید ولی دولت مسنمجل بود از قرن دهم هجری باصططاط شروع نمود؛ تا آنجا که

(۱) در اواخر سال ۱۹۳۲ مجلس شورای ملی امر بکامقرو کرد و مجلس مستعل سرد

(۲) این کلمات عن گجه کوردیه است

میگوید: در سال ۱۰۷۱ ترک بریت‌القدس چیره شده دولت عرب پهبان
 رسید و با آنکه ترکها سخت جنگجو بودند با بلای و عمران توانایی نداشتند
 در سال ۱۲۱۳ خلافت قرطبه بغلبه و پیروزی نصاری از پای در آمد. در
 سال ۱۲۵۷ بنیاد بیچنگال مغول افتاد و نیروی اسلامی با مال گشت. سپس
 ترک سلطنت را از سر گرفت، ییزانس و بلاد بالکن و مجلر و شمال افریقا
 و خاور نزدیک را متصرف گردیده از ایران تا مراکش ملک آنها گشت ولی
 پس از شکست در حوالی حصار وین سال ۱۶۸۳ باز پس رفت

دوره تجدید در اروپا « رنسانس » شروع شده بود، اروپا امریکرا
 کشف کرد، موارد ثروت فراوان گردید، سلطنت و قدرتشان به رسوا افتداد
 یافت. از آنوقت قناعت نکردند که مسلطین را از بلاد خود دور سازند
 بلکه بتجاوز شروع نموده بلاد اسلام را یکی پس از دیگری تسخیر کردند
 تخت بلاد بولان سپس رومانی و سپس بلغار از ترک جدا شد. انگلیس بر مصر
 و هند استیلا یافت. روس بر قفقاز و آسیای میانه مستولس گردید.
 فرانسه بممال افریقا دست انداخت و هکذا، و چون جنگ عمومی پایان رسید
 ممالک اسلامی چیز ترک استعلائی نداشتند. آن نیز در اثر پیمان در سالی
 استقلالش بر یاد رفت.

گو اینکه نیروی لشکری و سیاسی اسلام نباه شده ولی نیروی
 ادبی او باقی است و از قرن هفدهم تا کنون روز بروز نیرومندتر شده است
 سپس کورجیه از دیداد نیروی معنوی اسلام را بوهایی و سنوسی که
 پس از وهایی قویترین فرقه‌های اسلامی است مثل زده و گوید پیشوای کنولی
 ایشان سید احمد شریف است.

سپس بشرح اسلام چین باز گشته گوید: شورش شانسی و ینان

همانچو که گارنیه و اندرسون و دیگران گفته‌اند، باشی از تصدق دینی نشده بلکه در اثر حسن محافظت جان بوده همچنین شورشهای کانسو سال ۱۸۶۴ و ۱۸۹۵ بهمین اسباب بود و صلح خانمه یافت، بخش سنشوان که میان شاسی و کانسو واقع است آرام ماند با آنکه چهارشورسی در اطرافش شعله میزد

گوید: علما و مورخین در باره آینده اسلام چین پیش گوئیهای زیاد کرده اند و هر کس بخمال خود چیزی گفته و واسیلیف، سال ۱۸۶۲ گفته است: اگر اسلام مانند مذهب بودا در چین رواج بگیرد دنیا زیر و زبر خواهد شد.

«دو ترجمان» صاحب کتاب «المحمدیة در چین» گوید: اگر چین تقسیم شده و اتحاد سیاسی خود را از دست ندهد مسلمین در تواجی که اکثریت دارند استفاده نموده و مستقل میگردند، طولی زمان استقلال آنها نیز بحسب حسن اداره خودشان درخواست خداست و اگر چین در علوم و معارف پیشرفت کند و دولتی از دولتهای بزرگ روی زمین گردد چاره ای ندارد جز آن که از عقائد بت پرستی و اوهام و خرافات دست برداشته آئینی اختیار کند که خدای یگانه را می پرستد، در اینصورت برای چین آئینی از اسلام نزدیکتر و مناسبتر یافت نمیشود کنون هم بیست میلیون چینی بیرو آن هیباشند، ولی لازم است اروپا بقبول داشته باشد که چین حادثهای باعث انقلابی نخواهد شد، زیرا اسلام چین برنگه و بوی مسیحیت (۱) خواهد بود و جز آرامش و سلامت و ترویج تمدن حقیقی (۲) در نظر نخواهد داشت کوردیه باین گفته انتقاد نموده گوید: این سخن خواب و خیال است، کی گفته اسلام چین رنگه و بوی مسیحیت را

می پذیرد؟

از گروهی که مدعرا ترسانده اند که چین بسوی اسلام می رود
 و آورنده نویسنده انگلیسی است.

کوردیه گوید: پنجاه سال از این آراء و عقائد گذشته و اسلام در
 چین حتی یک گام پیش نرفته است؛ زیرا ملت چینی بعمان توجه و علاقه ای
 ندارد، آنها ملتی مادی هستند که جز بفکر زندگی و زندگانی دنیا
 نمی باشند.

«اولون» گوید: در چین شورش فراوان و انقلاب بی در پی بوده
 و میباشد و اگر تربیت به پیشوائی مسلمان رسیده توانست بر تخت سلطنت
 بنشیند دور نیست بخش بیشتر از مردم چین با اسلام بگردند.

این نیز در نظر کوردیه اشتباه است زیرا زترال «مانسونک» در میان
 مسلمانان و شخص اول آنها بود؛ با این حال یک تن بوسیله وی مسلمان
 نشد همچنین زترال مشهور «ها»

بر حسب عقیده کوردیه مسلمین چین مانند هم و طنان چینی خود
 عقابت تسلیم نوفان مجدد خواهند شد و با این حال بر تمام آنان بمقتضای
 سرشت و فطرت آرامش و نرمی غلبه خواهد داشت انتهای

حواشی بر مباحث مسلمین چین مقالات و داستانهای چینی

برای ازدیاد آگاهی در مبحث اسلام چین بهتر است پنج مقاله دیگر
 منتشر سازیم: نخست در تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۱ و دوم سال ۱۹۲۳ در

جریده ، الاهرام ، مصر سوم و چهارم در جریده « الفتح » مصر در تاریخ
 غره رمضان و ششم ذی قعدة سال ۱۳۵۶ و پنجم در « الجامعة العربية »
 بتاريخ ۲۴ شوال سال ۱۳۵۶ منتشر گشته است.

اولی متضمن صحبتي است با رئيس فرستادگان چيني
 در جامع ازهر دومی گفتگویی است با یکتن عالم چینی که در تحکیم
 گاشتی بمصر منزل داشته . سومی را آقای محمد مکین چینی که در ازهر
 جای دارد نوشته است .

صحبتی با رئیس فرستادگان چینی بازهر اسلام و مسلمین در چین

برای فرا گرفتن علوم دینی و مدنی در جامعه ازهر دولت چین چند کس
 بمصر فرستاده و وزارت اوقاف خانه ای جهت آنها تعیین کرده است من
 باعداد دیروز آنجا رفتم ، از آنان درمیشنان جويا شدم ، گفتند : اداره امور
 دینی امروز را برای امتحان آنها در لغت عربی و قران و خط عربی و املا
 و انشا معین نموده ، من نیز بمحلی که برای اینکار در جامع ازهر مقرر بود
 رفته بانظار خاتمه کار نشستم ، سپس پیش مدیر ایشان رفته از او خواستم
 حالت اجتهاد یعنی در چین و حالت اسلام و مسلمین را در این بلاد دور افتاده
 برای من شرح دهد ، وی خندیده گفت : همه چیز را میدانم و با شما در
 هر چیز جز سیاست آماده ام که صحبت کنم ، ولی از سیاست بی خبر و به
 خود زحمت نمیدهم ، نمیخواهم در این دریا شناوری کرده در اسرار
 و ظاهر و باطنش سخنی بگویم . پرسیدم آیا از صحبت در سیاست مانعی
 دارید یا سیاست پیش شما تا چیز و غیر لازم است و جز بمقدار معین

نبایست در این سخن گفت. با چین در سیاست زیاده پیشرفته و هر چه از تمدن و ترقی دیگران آرزو دارند دارا شده اینک دیگر زیاده تر از مقداری که يك مردم متدین عرف در معانی ایمان برایش خود هیچگرد سیاست نظر و توجیهی ندارد؟ رئیس بمن با چشم و دقت چینی نظری کرده سخن مرا قطع نمود و گفت: من فقط هر تنی دینی هستم ریاست هیئتی دینی بعهده من است؛ میان دین و سیاست فرق بسیار است؛ ما در کشور خود دین را تا اندازه ای مبین آموخته ایم اینک باینجا آمده مطالبی زیاده تر میطلبیم؛ من و سایر مبعوثین علاقه ای ب سیاست نداریم؛ یا رجال سیاسی آموختن نکرده ایم ما در يك بوستان و ایشان در بوستانی دیگرند ما هر يك با دیگری بسیار فرق داریم و ساکت شد. گفتم اجازه میندهید از جنبه اجتماعی و دینی در چین صحبت کنم؛ گفت: مختارید و نشست؛ اعضا هیئت نیز برگرد ما بنیسته کرم صحبت شدیم.

پرسیام: شماره مسلمین در چین چقدر و شملاره سایر طوایف چقدر است؛ آیا میان مسلمین چین و دیگران رقابت دینی هست یا نه و اگر باشد سبب این رقابت چیست؟

پاسخ داد: شملاره مسلمین پنجاه میلیون و شملاره تمام مردم چین چهارصد میلیون است؛ در انجا مذاهب متعددی است؛ مانند کونفوسیوس؛ بودائی؛ مسیحی؛ با این حال بیشتر مردم چین دین معینی ندارند؛ چیزهای متعددی را میپرستند؛ مثلا گروهی آتش و جماعتی نور و پاره ای زیبایی را پرستش میکنند؛ بعضی هم حیوانات و چهل پایان را میپرستند؛ معدودی هم که شملاره آنان اینک است متصوف و از دنیا گذشته و مرتاض مینشند در تمام عمر زن نمیگیرند؛ بزنی نمی نگرند؛ باین هیچگونه آمیزشی ندارند این گروه را

«توصیفیه» گویند و منسوب به ردی «لوتزاه» نام هستند، میان مسلمین و سایر طوائف رقابت دینی-مذهبی حکمفرماست، آنها ما را دشمن میدانند و عقیده دینی ما را رشت میانگارند، بضد ما سخت تعصب میورزند، بیشتر زرد خوردهای خونین که روی داده سبب آن همین تعصب دینی است، ولی آنها در برابر قانون مساوی و آزادی عقیده را دولت ضمانت نموده بضد یکدسته بدسته دیگر کمک نمیدهند، در نظر قانون و دولت یکی بر دیگری ترجیح ندارد، یعنی دولت همه را آئین مخصوصی نیست

گفتم: میان اجزاء و اعضاء دولت از مسلمین کسی یافت میشود یا نه و شماره آنها چند است؟

گفت: آری در ادارات دولتی مسلمانی یافت میشود. از آنجمله پنج سرلشگر و یک استاندار که در یکی از استانهاست؛ پاره ای از مسلمین در انجمنهای شهری و غیره میباشند، گروهی بتدریس میپردازند، بسیاری از افراد ارتش مسلمان هستند، و آنها بشجاعت و بردگی نامیر دارند ولی در وظائف کشوری شماره آنان بسیار اندک است.

گفتم: قانون عمومی برای سربازگیری دارید یا نه؟ و چگونه بیشتر افراد ارتش مسلمان است یا آنکه قانون عمومی است و بایست در تمام طبقات اجرا گردد؟

گفت: مسئله نسبی است، قانون هم در حقیقت عمومی میباشد ولی شماره مسلمین در پاره ای استانهای چینی از سایر طوائف زیادتر است، وقتی شما گفتیم شماره مسلمین در چین پنجاه میلیون است لازم بود بدانید شماره هر یک از سایر طوائف خیلی از شماره مسلمان کمتر است زیرا در چین زیاد از پنجاه آئین و مذهب میباشد.

مسلمین چین

گفتم : ممکن است از تریب زناشویی و طلاق پیش آنها ما را مسبوق سازید یا نه ؟

گفت : تمام مسلمین مطابق قرآن زناشویی میکنند و طلاق میدهند زناشویی جز بر رضای تام و تمام زن و شوهر صورت نمیگیرد ، زناشویی و طلاق نیز باید در مجامع ملی و مجالس بلدنی واقع گردد ، اگر کسی زن بگیرد ولی در یکی از آنها مجالس نباشد زندانی خواهد شد .

گفتم : از این سخن فوجیده میشود که آنجا مجالس شرعی نیست تا دادخواهیهای زناشویی را بمقتضی احکام شریعت اسلامی رسیدگی نمایند گفت : خیر ، خیر ، محاکم شرعی رای اینگونه گفتگوها نداریم این دعاوی و امثال آنها مانند سایر منازعات شخصی بیرو قوانین مدنی است در این موارد انجمن دادگستری که آزادانه مستقیماً انتخاب شده اند مقرر میاید و این انجمن در مسائل مدنی حکومت میکند ، مسائل ازدواج در ضمن آنها است و آنان رسیدگی مینمایند ، حکومت نیز احکام ایشانرا اجرا میدارد

گفتم : در چین مسلمین رئیس دینی دارند یا نه ؟

گفت : ریاست دینی نیست و مارکیس مخصوصی نداریم آنجا جز انجمنهایی محلی کسیکه بر آداب و اصول اسلامی حکومت داشته باشد یافت نمی شود ، مسلمین هر ناحیه ای بکجور عادات مخصوص به خود دارند مخصوصاً علاقه مسلمین بخش دیونان نو ، از سایر جاهای اسلام بیشتر و آداب و عادات خود را زیادتر از سایر جاها نگاهداری میکنند .

گفتم : مسلمین چین با آموزش و پرورش امروزی تربیت یافته و می توانند عهدہ دار وظایف تمدنی امروزی بشوند یا نه و چه سببهای مسلمین بدیگران دارند و آیا عموماً مالدار و ثروتمند بوده و از این حیث حالشان رضایت بخش است یا خیر

گفتم: متأسفم که اظہار ندارم مسلمین تربیت یافته بہریت امر وزی اندک و شمارہ آنها بسیار کم است وغالباً بی سواد هستند! نسبت تربیت یافتہ مسلمین دو درصد بلکہ در پلہ ای نواحی کمتر است: مسلمین در چین بسیار فقیر و بی نوآ میباشند و حالت مالی و دارائی ایشان رضایت بخش نیست گفتم: کسیکہ مرتکب بزه می شود متلاً زنا کند کیفر وی مطابق آئین است یا مطابق قوانین مدنی؟

گفتم: هر کس هر گناہی کند ~~حک~~ کیفری دارد، در دادگاہ جنائی طبق قانون مخصوص مدعی محاکمہ میشود.

گفتم: مسلمین علاقہ مند بآداب دینی خود هستند و مساجد برای عبادت و نماز دارند یا نه؟

گفتم: باز تأسف خود را ~~تک~~ تکرار میکنم کہ بگویم مسلمین چین اسلام را بمعنی درست و صحیح آن نمیفہمند. این بزرگاشی از نادانی و بی تربیتی آنہا است. ہا مساجد بسیاری داریم کہ پلہ ای از آنہا بسیار قدیمی است و از زمانہ اوقات کہ اسلام وارد چین شدہ آنہا را ساخته اند: نخستین کسیکہ مسجد ساخت «طان» خلیفہ چین است ~~حک~~ مسجد «کوانتو ننگ» را ساخته است، و با آن کہ مساجد فراوان میدانشد، بیشتر آنہا ویران شدہ و جز معدودی کسی با آنجا ہا نمیرود.

گفتم: ہر از آنکہ نظر دینی در نظر مسلمین چین چہ معنی دارد، و ازہر بیش آنہا در چہ رتبہ است؟

گفتم: مصر از نقطہ نظر دینی با ہمازہ ای اہمیت دارد و بزرگ است کہ در گیتی مانند آن یافت نمیشود: ہا مصر را بچنان ودانہ دوست میداریم و آنرا قیۃ الاسلام می شماریم، بویژہ کہ جامع ازہر در آن جہ واقع شدہ و

معتمدیم جامع ازهر سرچشمه و منبع اسلام صحیح است
گفتم: زن چینی حجاب دارد یا خیر، و آیا آن‌ها در مقررات کشور
دارای حقوقی هستند یا نه؟

گفت: زن چینی حجاب ندارد و حالتش از پیش بسیار بهتر و
نیکوتر شده، وی مانند مرد از حقوق مدنی بهره مند میشود. دارای حق
انتخاب است در محاکم دادگستری و ادارات و در مجالس شهرداری و
مجامع محلی میتواند خدمت کند.

سخن‌ها که سابقاً رسیده احساس کردم خسته شده، سیاست‌گذاری
لموده اجاره بازگشت خواستم؛ با ادب و شرم بامن وداع کرد -
احمد عبدالعلیم عسکری

گفتگویی با عالم مسلمان چینی

که تکیه گلشنی مصر وارد شده

بامداد پنجشنبه روز عید فطر بزم دیدار این عالم که یازدهای اخبار
و آثار از او در جوانی و مجازات مصری دیده بودم با سه تن روان شدم
همینکه بکوی مقصود رسیدیم بسوی تکیه متوجه گشتیم. سردر آن جا
را ما کاشیهای رنگ برنگ زیبا ساخته اند تکیه وارد و سمت راست از
پله کلان بالا رفته در عمارات فوقانی حجره‌ای بود که سادگی و پرهیزکاری
آنجا را مینمایاند، دو صندوق و یک صندوق پر از کتاب و کاغذ نهاده بود،
مردی شصت ساله گونه قامت لاغر اندام زردچهره، پیشانی بلند و لب‌بالایی
او کلفت نشسته و موئی بر چهره نداشت، موی سیل وی بسیار اندک و

گویا تازه روپنده است، جوانی بیست ساله نیز در کنار او جای داشت،
 بعربی سلام نمودیم، وی عربی فصیح، پاسخ داده اظهار خورسندی فراوان
 کرد و که در چنین روز مبارکی بیدار آورفته ایم، جای چینی حقیقی
 در فوجان چینی بماداد، نام و شان خود را باو گفته وارد صحبت شدیم،
 گفت: نامم «ولای ون کین» یعنی سعید الیاس میباشد، پیشه من دانستن
 علوم اسلامی است، شهر من ننین و در آنجا پیشنمازم، روزنامه ننین را نیز
 همینم، یک سال است از آنجا مسافرت نموده میخواهم از احوال عمالک
 اسلامی خبردار شوم و از افکار نوین خاور میانه و خاور نزدیک بهرمند
 گردم، هند را گذش نموده اینک بمصر رسیده از آنجا بسوریه و اناول
 و اسنانه میروم، سپس بمیهن خود باز خواهم گشت.

گفتیم در کشور شما مسلمین چقدر و اوضاع تعالیم و احوال اجتهادی
 آن‌ها چگونه است؟

پاسخ داد: شماره مسلمین در چین بهفتاد میلیون میرسد تمام آن‌ها
 واجبات دینی خود را انجام میدهند، در شهر من چهل مسجد است، جز
 علما که از کودکی عربی را آموخته اند بیشتر آن‌ها کتاب عربی را مزبان
 چینی میخوانند، ولی نماز را بلفظ عربی بجا میآورند تعداد زرجات گویانکه
 محکم شرع در دین اسلامی رواست ولی بفرمان عدالت چنین نمی کنند و
 هر مردی یک زن بیشتر ندارد، طلاق نیز بسیار نادر است و میشود آن را
 نابود انگاشت، من در کودکی فقه و حدیث و سنت و علوم کلام و تصوف
 و توحید و آداب لغت عربی را آموخته ام.

رسیدیم بودا و کنفسیوس در کشور چین پروان زیاد دارند

پانته:

پاسخ داد: پیران بودا فقط در هند هستند و نامش پیش ما کمتر برده میشود، ولی کنفسیوس در چین پیران فراوان دارد و آن‌ها را «اصحاب کنفسیوس» نامند، این پیشوای مصلح پیغمبری نبوده که خدا فرستاده باشد چنین سخنییم خود او با کسی از اصحاب او نگفته است، وی حکیمی بوده که تمام دستوراتش مخصوص و راجع است باحوال دنیا و تدابیر امور مادی و سیاسی و اداری و اصحابش پرستش خدای معینی یا بت نیستند، همین سبب پیروانش چون اجداد و نیاکان خود هر چه را بخواهند میپرستند، مانند درخت ورود و غیره، اجمالاً آن‌ها بت پرست میباشند.»

پرسیدیم: از هنگامی که چین جمهوری شده کشور در چه حالت است؟

پاسخ داد: خاور عموماً به حکومتی نیرومند نیاز دارد که از سر چشمه حکمت و عدل و حسن نیت سیراب باشد و نی عتاسفانه چنین پیشوایی در این دور یافت نمیشوند، بهترین نمونه حکومت خلفای راشدین در صدر اسلام هستند، ما مسلمین چینی عقیده داریم، اسلام دینی است که پایه و اساسش بر شور و دیموکراسی نهاده شده، در قرآن است که:

«وشارهم فی الامر»

پرسیدیم در این چند سال اخیر کشور پیشرفتی نموده یا نه؟

پاسخ داد: آری بسیاری از عادات زشت را از بین برده اند مانند کفشی که پایی دختر مینهادند از نمو یا ماسع بود گمان میکردند، دختر قشنگتر و زیباتر میشود، اینک اینکار ممنوع و موزد کیفر است، کشور چین خوردخورد زندگی ملی را احساس نموده بواحی را که پاره‌ای دولت‌های پیکانه بخصب از او گرفته بودند باز پس میگردد، و چون ملتی بزرگ و

کشوری پهناور میباشد طبعاً بکنندگی پیشرفت میکند .

پرسیدیم احساسات شما نسبت بدولتهای بیگانه چگونه است ؟
 پاسخ داد : گو اینکه ژاپون از تژاد ماوهم نوع مااست ، ولی چون
 دولتی نیرومند شده و میخواهد ما را طعمه خود سازد ، و اگر برای حمله
 و هجوم فرضی بدست آرد بی درك تاخت خواهد کرد ما او را دشمن
 میدانیم همین داستان برهانی است که هم تژادی و هم دینی مانع منافع
 سیاسی نمیشود دولت هائی را که پیش ما محبوب اند دول متحده امریکا
 است که همه چیز خود را شبیه او میکنیم ، این دولت بما اظهار دوستی
 مینماید ، تمام معاملاتش با ما بحسن تفاهم و گفت و شنود است ، بخلاف
 سایرین که برور و جبر و قوحش و دست اندازی معتادند .

پرسیدیم . عقیده شما در باره علمای مصر که دیدار نموده اید چیست .
 پاسخ داد : حتی یکن از آنان پیش من نیامده جز اسماعیل بیک
 رأفت و شیخ طنطاوی جوهری کسی را ندیده ام . ولی بسیاری از علمای
 آن جا را بکتابهایشان شناخته ام مانند محمد عبده . بگمان من وی یکی از
 بزرگان گیتی است و دشوار است مادر گیتی ، مانند وی را بوجود بیاورد
 عالمی دینی و مردی سیاسی و اجتماعی بوده ، در عصر جای گیر نداشته . نام
 مصطفی کامل باشاهم در چین بسیار معروف است ، زیرا اساس نهضت وطنی
 را او در مصر نهاده ، همچنین مصطفی کمال فاعش معروف میباشد ، ولی
 من کاری به سیاست ندارم جز از این حیث که مربوط بترقی احوال ملت
 می باشد . من کتب بسیاری از زبان عربی را بلفظ چینی ترجمه کرده ام ،
 مانند تاریخ عصر قدیم ولی از تاریخ نوین بی خبرم ، کتبی در این موضوع
 بمن نرسیده ، من دوست میدارم رابطه مصر با مسلمین چین زیاد

و استوار باشد .^۴

پرسیدیم : شما می‌توانید و می‌خواهید که بزبان عربی راجع بحالت مسلمین چین از جهت دینی و اجتماعی پیش دانش‌جویان مصر سخنرانی کنید یا نه ؟

پاسخ داد : میتوانم بشرطیکه نخست بنویسم و سپس بخوانم ، زیرا بی مقدمه و زمینه سازی سخنرانی توانا نیستم . در پایان از اوسپاسگذاری نموده بزرگشتم ، از وزارت فرهنگ و اوقاف و علمای مصر و دانشمندان نما داریم بدیندار این عالم شتافته احترامش کنند ، وی در اثنای صحبت چون نام مصطفی کامل را برد گفت میداند که مصری‌ها ، آزاد منش و مهمان نوازند .^۵

الاهرام ۱ رؤف - ح. رمزی - لطفی -

حالت کنونی و گذشته اسلام در چین

(۱)

پیوسته برادران مسلمانم احوال مسلمین چین را از من می‌پرسند ، از آنکه آنها جوینی عالم اند گو اینکه در چین باشد (۱) و از این حیث که بآمین علاقه دارند بسیار خورسندم : اینک بیاری خدای برای انجام در خواست آنان و نیز شان باسحاکم روابط فرهنگی و ایجاد یگانگی و یکرنگی میان ملل اسلامی این شرح مختصر را مینویسم و از خدا می‌خواهم که ما را بکار نیک کمک دهد : انه قریب مجیب -

(۱) اشاره است بحدیث شریف اطلبوا العلم ولو بالسن

تاریخ ورود اسلام به چین

اسلام صککی وارد چین شده؛ پرسشی است که پاسخ آن دشوار است، جور بجور نقل کرده اند، پیش مسلمین چین مشهور است که در سال ۶۳۷ م (پیش از وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله) یا سال ۵۹۹ م (پیش از هجرت) اسلام با آنجا رسیده است؛ بسا بر تحقیقات بر فسور «ژنیون» در تاریخ اسلام چینی نخستین هیئتی که از جانب دولت اسلامی پیش دولت چین رفته سال ۶۵۱ م (در دوره عثمان بن عفان) بوده؛ پرسفور گوید: اختلاف ناشی از ناپیسی است که تقویم چینی با تقویم عربی داشته؛ زیرا سال چینی سال قمری است که شباهت بسال شمسی دارد هر سال عادی سیصد و پنجاه و چهار روز است مانند سال قمری؛ ولی هر سال کیسه یکماه افزوده میشود؛ در هر سه سال یکبار سال کیسه است و در هر پنج سال دوبار و در هر نوزده سال هفتبار کیسه قرار میدهند تا با سال شمسی برابر و مطابق شود؛ دولت چین بسال ۱۳۸۴ م مطابق سال ۷۸۶ هـ تقویم عربی را مقرر داشته و ۷۸۶ سال را از تقویم چینی اسقاط نمود تا آغاز تقویم عربی نسبت بتقویم چینی شناخته شود؛ همین کار ایجاد اختلاف نموده است؛ این سخن پیش ما پسندیده و برهانی است والله اعلم

روابط میان دولت اسلام و دولت چین

در دوره خلفای راشدین هیئتهای اسلامی و بازرگانان مسلمان از عرب و ایران بی دری بیچین رفتند؛ تنها در پایتخت چین گروهی مهاجر اسلامی بود که شملره شان بیچار هر آرتن میرسید؛ هنوز شماره مهاجرین فرنگی که بکن هستند باین اندازه نمیرسد؛ بنا بر شماری که بر فسور

«ژیون» کرده در زمان خاندان «تان» و خاندان «سون» از سال ۶۵۱ تا سال ۹۲۰۷ میلادی اسلامی ۷۶ بار یان جاری شده اند. در سال ۷۶۲ میلادی خاقان چین در برابر شیچوی سرکش خون‌خوار از مسلمین یاری خواست.

بزرگان قدیم اسلام

سلاطین چین با مسلمین مدارا میکردند، در دوره خاندان «یون» که از خاندان چنگیز خان بود (سال ۱۲۷۷ - ۱۳۶۷ م) امام اعیان مسلمین در جرگه اعیان سلطنتی ثبت میشد و بیشتر از صد تن بودند. سید جاسرالدین در ولایت یون‌نان حاکمی داد گرفته بود، در نواحی حاکم‌نشین آنجا کاریزهای فراوان احداث کرده که هنوز باقی و سودبخش است. در آن شهر برای مردم بت پرست بنام کونفوسیوس فیلسوف بزرگ چین معبدی با عظمت ساخت. این معبد اعسین جانی است که در آنجا بنام وی ساخته شده. نام سید جاسرالدین پیش مردم بومی آنجا برای همیشه باقی مانده و در بنامی که برای حکما در حاکم‌نشین (پاتییون) ساخته اند مجسمه او هم نهاده است. فرزندان سید پانزده سال (۱۳۳۳ - ۱۳۴۰) نفست وزیر بوده. ادیب مسلمان «جنس» پیش ازده کتاب تألیف نموده، هنوز دیوان «دهانتی» که مردی مسلمان و نیکوکار بوده مشهور و معروف است. «بخدیر» مهندس در بنای حصار کاخهای پکن دخالت داشته. سال ۱۳۳۳ م ده تن از ادبای مسلمان دارای دانشنامه (گواهینامه عالی) علمی مملکتی گردیدند. در دوره خاندان «مین» (سال ۱۳۶۵ - ۱۶۴۳ م) تقویم عربی معمول شد. شیخ محمود کتب تقویمی عربی را ترجمه کرد. سال ۱۴۰۶ خواجه ای مسلمانرا بنام جنها خاقان سرداری کشیهای چینی بجزائر هندشرفی و سیلان و سواحل هند

جنوبی و عراق و سواحل جزیره العرب و ساحل افریقای شرقی مرستند تا مرصرا پرداخت پنج و خراج و پیشکش بخاقان و اادار کنند اگر کسی درخواست او را قبول نماید به نیرو و عظمت سلطنت چین او را تهدید کند، شماره کشتیها به ۳۷۰۰۰ میرسند. پسر و جدوی هر دو همگه رفته بودند، در ولایت یونان متولد شده بود علامه صالح، لیوجلین، در اواخر قرن هیجدهم بزبان چینی کتاب «سیره سیدالمرسلین» و کتاب «شریعت اسلام» و کتاب «اسرار اسلام» را نوشته، یوسبده این کتابها است که جنبها دانسته اند. آمین اسلام آمین توحید است و با هبای کونفسیوس حکیم مخالفتی ندارد بلکه آنرا تایید و کمک میدهند. همین سبب این کتابها را در کتابخانه سلطنتی وارد ساختند و پرده از چهره اسلام در خلور دور برافکندند. علامه صالح، لیوجلین، در نانکین پایتخت جدید چین بوجود آمده و در همانجا بچاک رفته است. من آژانگه ویرا به سال ۱۳۴۷ هـ زیارت نموده ام. علامه یوسف، مافوسو، رحمه الله بزبان عربی و چینی کتابهای سودمند در عربی و علوم اسلامی تالیف کرده، مؤلفات علامه صالح لیوجلین را پس از تصحیح چاپ نموده، یکبار دیگر اسلام را بارور کرده است. در دنال وی اسناد بزرگ حاج «نورالحق هانجیان» رحمه الله بوجود آمده از مدرسه وی دسته دسته عالم عامل بیرون آمده اند، حاج نورالحق و یوسف، مافوسو، هر دو در ولایت یونان بوجود آمده اند.

شورش مسلمین

رکشان خاندان منچوری (سال ۱۶۴۴-۱۹۱۱) مسلمین را گرفتار

ظلم و ستم کرده، آنها را پایمال می‌نمودند، امرای ستمگر منچوری در ولایت سنکیانج، (ترکستان چین) اموال آنها را گرفته عمالشان را بی ناموس کردند، مسلمین نیز برای دفاع از جان و مال و ناموس خود بر آشفتند، پنج بار تقریباً در صد سال (سال ۱۷۵۸-۱۸۷۳) شورشهای هولناک برپای نمودند، کتب تاریخی که راجع باین شورشها نوشته شده از ابرار است

(۱) تاریخ شورش موسیسان در ولایت کنسیو (۱۷۵۸) ۲۰ جزء،
 (۲) تاریخ شورش هانمین در ولایت کنسیو (سال ۱۷۶۸ م) ۲۰ جزء،
 (۳) تاریخ شورش جنمغ در ولایت سنکیانج (سال ۱۸۲۵-۱۸۲۷) ۸۰ جزء

(۴) تاریخ شورش سلیمان در ولسیو در ولایت یون نان (۱۸۵۵-)

۱۸۷۳) ۵۰ جزء

(۵) تاریخ شورش یعقوب در ولایت شانسی و کنسیو و سنکیانج (سال

۱۸۵۵ - ۱۸۷۵ م) ۳۳۰ جزء

آثار اسلام

آثار اسلام بسیار است، اهم از همه آنهاست که سال ۱۳۴۶ تماشای

کردم، از اینقرار:

(۱) آرامگاه سعدین ابی وقاص در بیرون حومه شهر کنتون، این

بنای تقریباً در نیمه قرن هفتم ساخته اند

(۲) مسجد شهر کنتون، این مسجد نخستین مسجدی است که در

چین تقریباً نیمه قرن هفتم ساخته شده، آنجا گلدسته ای دارد که سر بآسمان

کشیده، آنلوی از زیبایی فن عربی را داراست

(۳) مسجد اعظم در مرکز شامی سال ۱۴۱۳ از بودجه مملکتی و هزینه دولت ساخته شد، شرح بنا بر وی سنگی که قرار داده اند نوشته شده.

(۴) مسجد تکیه ببال ۱۳۸۸ از بودجه مملکتی هزینه دولت بنا شده است.

اسباب انتشار اسلام در چین

اسلام در چین برعکس شگفت آور بجهت سبب انتشار یافته.

(۱) بازرگانی مسلمین در چین خاص در دوره خاندان «تان» (سال ۶۱۸ - ۹۰۵) سبب ورود اسلام گشته و در دوره خاندان «سون» (سال ۹۶۰ - ۱۲۷۶ م) و خاندان «مینگ» (سال ۱۳۶۸ - سال ۱۶۴۳ م) اسلام سرسبز و خرم گردیده است.

(۲) فتوحات اسلامی سبب اسلام مردم اومی ولایت سنکیانج (ترکستان چین) در دوره خاندان «سون» و «مینگ» بوده بلکه همین فتوحات سبب اسلام ترکستان روس در دوره خاندان «تان» شده است.

(۳) تولید و محالده مسلمین سبب از زیاد مسلمین و رواج اسلام در چین خاص بهد از خاندان «یون» و خاندان «مینگ» (سال ۱۲۷۷ - ۱۳۶۷ م) بوده است.

(۴) آمیزش کفار با مسلمین که تأداب اسلامی متاثر شده اند. سبب اسلام انتشار در ترکستان چین و روس گشته است.

دوسیب نخستین شگفتی ندارد سبب سوم از خواص اسلام میباشد

مسلمین برای حفظ عقیده توحید و عادات اسلامی خود زناشوئی سا کفار را حرام میدانستند، بهمین سبب آئین از اخلاق باسلاف بازت رسیدند. بخلاف کفار که چون باغیر زناشوئی میکنند، عکس است افراد خانوادهای پیرو آئینهای مختلف باشند، و همینکه کسی مرد آئینش با او یگور می رود. جواز تعدد زوجات پیش مسلمین نیز از اهرام آسیاب از دید افراد ایشانست. سبب چهارم جز در اسلام بافت نمیشود، در قرون وسطی میلادی تا اواخر مسلمین به بیروی شمشیر بیروزی یافتند ولی ایشان اولاد آنها تا تأثیر مسلمین و آموزش و پرورش اسلامی مسلمان گشتند، راستی این بیرو و تأثیر باعث حیرت و شکفتی فوق العاده است.

جز اسبابی که شرح داده شد دو سبب دیگر نیز بوده است.

(۱) چون کسی رسماً با اسلام دعوت نکرده، اسلام دچار حسد و رقابت کفار نگشته، و مانند زد و خورد سختی که میان نروزی و بودایی در دوره خاندان است (سال ۴۲۰ - ۵۸۸ م) و در دوره خاندان «تان» و «یون» روی داد هرگز در تاریخ اسلام چنین بافت نمیشود، همچنین بلا بستی که بر سایر آئینها فرود آمده مانند وقایع (سال ۸۴۶ - ۸۴۶) برای اسلام رخ نداده که پیروان کونفسیوس واجب میدانستند بنها و بتکدهها را زیر و زبر کنند و چون در اسلام بت وجود نداشت مدعئی ندادند بملاوه کفار عقاومتی را که در برابر بت پرستها میکردند در برابر اسلام نمی نمودند، زیرا مسلمان مانند بت پرستها مردم را بآئین اسلام دعوت نمی کرد بهمین سبب پیروان کونفسیوس بخیاک برافکنندگان بت افتادند تا بت پرست فراوان نشود.

(۲) بر مبادی کونفسیوس اعتراض نشده بود: مسلمین مبادی او را

که اثبات وجود پروردگار را می‌کند و مکارم اخلاق را مردم می‌آورد
محترم بشمردهد. بلکه سید جاسرالدین معبد او را ساختن قلمردمی که
پیر و آباء و دستورات این استاد بزرگ شده‌اند ادب یافته ره‌آورد شوند
علامه صالح لیوچلین رحمه الله نیز صدای او در پاره‌ای اسرار اسلام
استشهاد کرده بود، همین سبب مسلمین با بیروان کوشه‌بوس هم‌در
محبت رفتار و همکاری مکردهم فراهم آمدند، در دولت خاندان «مان»
ایرادهائی که بودائی می‌شمردند در دوره خاندان «مین» اعتراضاتی
حکام بر مسیحی می‌کردند حمد خدا را هیچوقت نسبت باسلام ننمودند و
چنین ایراد و اعتراضی را کسی نشنید.

(۴)

شماره مسلمین چین و مسکن آنان

شماره مسلمین در چین سال‌سال زیادتر شده تا به پنجاه میلیون
رسیده است، آنان در تمام ولایات پراکنده‌اند و بیشتر آن‌ها این‌ترتیب در
کنسیو، یون‌مان، وهان و شانفونگ و سپس در ولایت‌هایی می‌باشند، و چون
شماره مردم چین چهار صد میلیون است مسلمین يك هشتم آنها می‌باشند.

زبان مسلمین چین و مذهب آنان

مسلمین چین که در ولایت سینکیان هستند چون ترك‌اند
زبان ترکی صحبت می‌دارد و مسلمین در چین اصلی بزبان چینی سخن

میگویند. بیشتر کتب دینی آنان بزبان عربی و سپس بزبان فارسی است. بهمین سبب علمای دین این دوزبان را میدانند، آن ها در مطالعه قوی تراند تا در گفتگو و محاوره با این دوزبان، بعبارت دیگر ایشان خوب می فهمند ولی خوب سخن نمیگویند. سبب نیز اینست که از آموز کاران چینی خود ترجمه را آموخته اند ولی انشاء و محاوره را یاد نگرفته اند، و چون با اعراب و فارسی زبانان آمیزش ندارند مجالی برای محاوره بدستان بهانده است به علاوه ایشان کتب دینی را می خوانند و نوجویی بکتب ادبی نمی کنند، این اسباب طبعاً آموزش و پرورش عربی ضعیف و سست شده است مسلمین آنها عموماً حنفی مذهب هستند.

پیشینه و هنر مسلمین

در شهرها مسلمین بازار گمانی دارند و بیشتر تجارشان در سنگهای و پکن و نیجین خرید و فروش جواهر و سنگهای قیمتی و چیزهای عتیقه است. در ولایات مجاور دیوار چین بخرد و فروش پوست و پوستین و پشم و اسب و واشی میپردازند، و در ولایت ونان بادوست پوست و برنج و روغنهای نباتی مشمولند، مسلمین در دهات و مزارع بکشاورزی و بازار گمانی میپردازند، کشاورزان ایشان سعی و عمل و اقتصاد مشهور و نامبر دارند.

اهمیت ادبی و اجتماعی و سیاسی مسلمین چین

بیشتر مسلمین آنها جز نا اندازه احتیاج چیزی ندارند، سبب آن است که پیشوایان دینی پیوسته آنها را بزه در امانت اندرزمیدهند

ایشان هم از گرد آوردن مال و ثروت خودداری میکنند، و نیز چون با کفار که دارای ثروت اند آمیزش ندارند از حس رقابت و مسافه استفاده نمی کنند. مسلمین خواندن زبان چینی را زشت میدانند و عقیده دارند زبان عربی زبان قرآن و آئین است و بر هر مسلمانی واجب است اثر بخواند و محترم بشمارد و لای زبان چینی زبان کفار و دارای چیزهایی است مخالف دین اسلام حتی پاره ای گفته اند کبیکه کتب چینی را بخواند کافر میشود، در نتیجه علمای دین در چین جز معدودی در زبان رسمی کشور نمی نویسند و بسوادمانده اند، در میان مسلمین در هر صدی یکتن بلکه کمتر میتواند زبان چینی را بخواند و بنویسد و ای در کفار در هر صدی نه تن بلکه بیشتر با سواد میباشند، با اینحال چنگوله ممکن است در میدان بودگی مسلمین با دیگران رقابت و هم چینی کنند، گو اینکه قانون چین آزادی دین را بملت بخشیده و تمام مردم کشور در حقوق مساوی هستند.

انجمنهای اسلامی چین

« جمعیت پیشرفت عمومی اسلامی چین » سال ۱۳۲۶ هـ در یکن پادشخت چین تشکیل شد انجمنهای فرعی آن نیز در شهرهای پاره ای استانها بوجود آمد، ولی این مجامع فرعی سال ۱۳۳۲ هـ بسبب سیاسی پراکنده و جز در ولایت یون نان باقی نماندند، بنا بر این داستان این جمعیت داستان درختی است که تمام شاخه های آن جز یک شاخه خشکیده و اگر آنها می خشکید این درخت ریشه کن میشد، این شاخه سبز (جمعیت پیشرفت عمومی اسلامی چین) در خاک نشین یون نان باقیمانده و در این استان در هر شهر و ده که مسلمین

هستند مجامع فرعی آن موجود است، يك شاخه هم در حدود ولایت کویجو و بسکی در حدود ولایت سیچویان و بسکی در رنگون (نادرگاه پروم) سر سبز و خرم شده، آنجا برای فرهنگ و دعوت و صلح و بیان احکام اجمعهائی دارند، این جمعیت در تمام مجامع فرعی دارای نفوذ میباشد و حکومت محلی نیز با آنها اعتماد کامل دارد حتی در آنچه راجع به مسلمین است با آنان مشاوره مینماید، رفع اختلافات میان مسلمین را بعهده آنها بهاء است، این جمعیت یگانه واسطه و رابط میان حکومت و مسلمین میباشد، دانشجویان مسلمین را محاکم رسانیده قوانین حکومت و اوامر حکومت را به مسلمین میگوید، این جمعیت دارای مجله ای است بنام (مجله المنزه الاسلامی) که بهزینه مجامع فرعی بزبان چینی منتشر میشود، ایشان نخستین جمعیت اسلامی چینی هستند که از اسناد بزرگ شیخ جامع از هر درخواست کرده اجازه دهند نخستین هیئت چینی را به جامع از هر فرستند، تا مورد دینی را بخوبی دانسته پس از بازگشت همو آنان خود را آگاه سازند، بنابر این باعث آمدن مبعوثین چینی باز هر کوشش این جمعیت بزرگ و وسعت صدر و دور اندیشی آنهاست، همینکه اسناد بزرگوار حاج هلال الدین هاد یچین از عصر چین بازگشت بیاری امثال خود در شننگهای سال ۱۳۴۱ هـ «جمعیت علمی اسلامی چینی» را تشکیل داد تا باعث انتشار دعوت اسلامی و ترویج علوم دینی و توسعه تعلیمات اسلامی و تقویت جامعه مسلمین بشوند، همچنین مرحوم ژرال «مافوسیان» و پاره ای از بزرگان مسلمین در نانکین پایتخت چین سال ۱۳۴۵ هـ با اجازه حکومت مرکزی «نقابت مسلمین» را ایجاد نمود.

مدارس اسلامی چین

هر مسجدی که در ده مسکونی مسلمان باشد دبستانی دارد که کُودک هفت حروف عربی و سپس پاره‌ای سوره‌های کوچک و پس از آن کتابی مشتمل بر دعاهائی که در عبادات غالباً خوانده میشود میآموزند، پس از آن کتابی در سؤال و جواب راجع به ایمان موسوم به «چهار فصل» و دو کتاب در فقه حنفی موسوم به «مهمات» و «عمدة الاسلام» را فراهم میکنند این سه کتاب تماماً بزبان فارسی است، مدارس دخترها نیز همین جور است جز آنکه پاره‌ای حکایات و داستانهای اسلامی را نیز تعلیم میکنند مانند داستان حضرت موسی و عیسی و تزویج حضرت پیغمبر با خدیجه و زواج ثابت پدر امام اعظم ابوحنیفه و امثال آنها.

مسجد هر شهر نیایشوری که مسلمین آنجا هستند دو مدرسه دارد یکی دبیرستان و دیگری دانشکده، دانش‌آموز از مزارع و قصبات به آنجا میاید، در دبیرستان صرف و نحو عربی تدریس میشود کتب درسی در صرف «قسم الصرف» از علامه یوسف مافوسوا «مفتاح المراح» از حاج نورالحق ماجیدان و «مراح الارواح» از احمد بن علی میباشد «قسم النحو» از علامه یوسف مافوسوا و «حواسل النحو» از حاج نورالحق ماجیدان و «کافی» ابن حاجب است. در دانشکده نحو و منطق و بلاغت و تفسیر و فقه و کلام تدریس میکنند، کتب درسی «شرح الکافی» و «قسم المنطق» و «قسم البیان» و «شرح التلخیص» و «تفسیر جلالین» و «شرح الوقایه» و «شرح عقائد نسفی» است، غالباً پیش‌نماز مسجد مدرس مدرسه نیز میباشد، وی و طلاب در حجره های مسجد منزل

دارند، هزینه ایشانرا مسلمین نروتمند با غیرت میبرد دارند، چون تا مشجور در سپای گونا گونا گویا پس از چندین سال آموخت استاد لباده پشهر سوزی باو خلعت میدهد، هانداران نیز هزینه سفر وی را میدهند تا بشهر و خانه خود یا کمال افتخار بار گردد، هم شهر بهای او ناپیرون شهر از او استقبال کرده جشن میگیرند، مناسبت پیشمناری یا موعظه یا تدریس با اذان گوئی را بار تر گذار مینمایند سایر مسلمین که دارای رتبهی دینی شده اند پاره ای بکشور رزی مشغول اند و پاره ای بوسیله خیرات و صدقات مردم و خواندن قرآن در مجالس عزای همیشه میکنند، نزدیک مدارس قدیمی اسلامی در هینن من (ولایت یوننان) چنین است، در سنایر ولایات همین جورها است ولی در مدارس ولایت «کنسیو» تفسیر بیضاوی، «تفسیر حسین» زبان فارسی و «درالمختار» و کتاب «مکتوبات» در اصول دین تدریس میشود.

چون پیشتر «انجمن جمعیت پیشرفت اسلامی چین» در ولایت یوننان دانستند که ترتیب قدیم ناقص است، بسال ۱۳۲۶ هـ در حاکم نشین آنجا قسمت دبستان و قسمت ابتدائی را برای مدارس اسلامی تشکیل دادند و بسال ۱۳۳۹ هـ قسمت دومی آنرا تاسیس کردند. در این مدرسه زبان چینی و زبان عربی و علوم دینی و علوم لازمه امروزی را فرا میگیرند و راهورسم تدریس را همین وزارت معائنات و زحمان تحصیل را مقرر ساخته اند، وزارت فرهنگ چین نیز اسم آنرا در جبر که مدارس قانونی بسال ۱۳۲۹ هـ ثبت نموده مرحوم ژنرال «ما فوسیان» بهمین ترتیب دانش سرای اسلامی در حاکم نشین شانسونگ بسال ۱۳۴۲ تاسیس کرد ولی در سال بعد بسببی یکن پایشخت پیشین چین منتقل گشت، همچنین جمعیت دانشگاه اسلامی

چینی در ششگهای سال ۱۳۴۵ هـ «فرهنگستان اسلامی» را تأسیس نمودند و من سال ۱۳۵۰ هـ در آنجا فارغ التحصیل شدم، گواهی نامه دولتی دبیرستان را در خاکمئشین یونان سال ۱۳۴۳ دریافت داشتم من در ولایت سیجوای بسال ۱۳۴۵ هـ دانشرایی مقدماتی اسلامی را تأسیس نمودم، این چهار مدرسه نوینی است که برای آموختن زبان عربی و آئین اسلامی آماده گشته است، از خیرات و مبرات و کمک مردم هزینه آنها پرداخته میشود، هنوز در دهات و شهرها مدارس قبیله هم باقی است، مدارس اجباری هر چه هست مطابق دستور وزارت فرهنگ میباشد تقریباً در تمام دهات و شهرهایی که مسلمین هستند تأسیس شده آنجا اندکی از معلومات اسلامی را میآموزند

مجلات اسلامی چینی

همینکه برادران چینی اخبار نهضت اصلاحی را در جهانک اسلامی شنیدند دست نگار شده برای ترویج این نهضت مجلاتی منتشر ساختند، یکی در پی برك روزنامه مانند برك درخت بس از بازاران بهاری نمودار شد، ولی کمی سرمایه یاره ای از آنهارا شیر ناخورده بگور فرستاد «مضارة الهلال» در پکن و «المنبه الاسلامی» در یونان و «نور اسلام» در تینجین و «مجله العلوم الاسلامیه» در کانون در میان باقیمانده ها معروف اند تمام این مجلات هنوز نسبت بسائر مجلات چینی دوائر نداشته سرمایه علمی و مالی ساده و ناآوان و بی نوا هستند اگر مردم با همت مددی کنند وسیله بسیار خوبی برای اتحاد مسلمین در چین با برادران دینی خود در خاور و باختر دنیا خواهند بود.

نهیضت نوین و اختلاف مسلمین

علمای چین در ثواب مستحبات هیالنه دارند؛ بهمین سبب مسلمین بستحبات پرداخته و از واجبات بازمانده اند؛ بیشتر آنها نماز نمیخوانند؛ روزه نمیگیرند؛ زکوة نمیدهند؛ صبح نمیروند؛ ولی بمجالس عزاداری دقت و اهتمام زیاد داشته بینوایان دین و متعلمین را دعوت میکنند تا هر يك سوره ای از قرآن و مخصوصاً سوره های کوچک را بخوانند؛ بر پیشبر صلی الله علیه و آله بنغمه و آواز صدا را در هم انداخته سلام و درود میفرستند؛ سپس سفره گسترده غذاهای گوناگون چیده اطعام میکنند صدقات فراوان میدهند؛ روز تولد پیمبر؛ انولد حضرت فاطمه بختبراتی که مسلمین مودهند جشنی بزرگ برپا نموده در مساجد بر مردم طعام میدهند زن و مرد مسلمان حاضر شده نقرآن درورد و سلام و موعظه گوش مینمایند چون وقت نماز رسید گروهی بنماز پرداخته و گروهی بخوردن و آشامیدن میپردازند همیشه بازماندگی از علمای اسلامی زبان این عادات زشت و رفتار ناهنجار را دیدند بمسلمین اندرز دادند که بجای مستحبات بواجبات پرداخته؛ خوردن و خوراک و گرفتن اجرت را برای خواندن قرآن حرام نمودند. اشخاص متعصب و آناسکه از این راه گذران و معیشت میکردند بمخالفت برخواسته معارضه نمودند؛ چندین بار هیاتشان فتنه شد؛ ولی اینک بیاری خدا این اختلاف روی بشعف نهاده؛ از او درخواست میکنم که هنرا توفیق اتحاد داده؛ از غاق و نزاع خانگی نگاهداری کند. انه جواد کریم.

اوپسند پیست فطری از کفار در مجله «آداب چینی» داستانی فکاهی که

ناشی از بی‌شعوری او بود نوشت که : چون مسلمین فرزند خوگ آمد، گوشت خوگ نمی‌خورید. در «شنگهای» در چاپخانه یوسن، این داستان را صورت کفای چاپ و منتشر کردند، مسلمین برآشفه در جمعیت اسلامی چین، این داستان طرح و همگی متفق گشتند، که بجنده بولد داد خواهی کنند. مدیر روزنامه وعده داد، در روزنامه‌های یومیه معروف از مسلمین عنبر بخوهد و غلطی را که در داستان بود در شماره اخیر همانروز نامه اصلاح نماید و بار دیگر این‌تکرار نکرده شده در حضور مسلمین باقی مانده آن شماره را که این حکایت دراد درج بود بسوزاند. ولی مسلمین بکن باین اندازه قناعت نکرده فراهم آمدند، در انجمن دفاع اسلام بکنگاش پرداختند، در این اثنا سیدی عبور «لی هیشین» سبابه «انگشت نشان» خود را بریده با خون نوشت : «از آئین خود دفاع کنید» باین‌تکرار شعله‌آتش غیرت حضار مسلمان باآسمان رسید، توفان خشم و غضب ایشان آسمان مجلس را تیره و تار کرد، سوگند یاد کردند که بهر بها و زحمتی است تا آخر کار از دین خود دفاع کنند، تمام مسلمین چین تا سگراف نمود چهار تن نمابنده به فائکین فرستادند تا پیش حکومت چین مرکزی داد خواهی کرده توهین را شرح و زشتی این داستان را باز گویند، مسلمین شنگهای نیز قبلاً نماینده فرستاده بودند، تلگرافات داد خواهی از هر سو بحکومت مرکزی چین رسید حکومت چین فرمان داد نویسندہ ملهونرا کفر دهند و مجله آداب چینی، را توقیف کرده «چاپخانه یوسن» را بر بندند و قانونی مقرر داشت که چون در قانون چین آزادی آئین و مساوات ملل در حقوق درج شده تمام آئین ها بایست محترم باشند، آنگهی نیز منتشر نمود که مسلمین برای ملت چین از عناصر مهم بشمارند

و تاریخی درختان در خدمت بمبهن دارند، جامعه چینی آهوارا بسوحد امکان محترم می‌شمارد کار باینجا خاتمه یافت در شننگهای مسلمین باستقبال نمایندگان خود رفتند در جمعیت علمی اسلامی چین، چندی با مشکوه برای این کوشش رکامیابی و اظهار دینداری و احترام باسلام بر پای کرده‌اند بزندان پاک همه آنارا اجر جمیل و خیر جزیل دهاد.

برای آن که خوانندگان تأثیر این حادثه را در چین بدانند از آنچه جریده «شینبوه» که زر گترین جرائد یوهیه چین است نوشته عبارت‌بررا نقل میکنیم:

در آئین نامه اجرای قوانین دولت جمهوری چین درج شد که: «مسلمین برای ملت چین عنصری بسیار مهم هستند، بی‌وسه بخدمت میهن نامردار و افراد جامعه آنها را همیشه بزرگ و محترم شمرده‌اند، من از اتحاد کلمه مسلمین و مردانگی فوق العاده ایشان در دفاع از دین خود درحیرتم، من عقیده دارم اگر افراد میهن من در دفاع از آجسار روحی مانند روح مسلمین داشتند، اهمیت و رتبه سیاسی میهن خیلی برتر از حالت کنونی بود، و در این صورت منچوری بدست ژاپون امی افتاد مسلمین برای ملت چین باین اندازه مهم نشده‌اند جز در سایه آموزش و پرورش قرآن، زیرا خدای تعالی در سوره بقره فرموده: و اقتلوهم حیث تقتلوهم و اخرجوهم من حیث اخرجوکم و اللغنه اشد من القتل، دست اندازی و تجاوز ژاپون منچوری از کشتار بدتر بود، اگر زمامداران ما بدستور قرآن از دشمن دفاع می‌کردند، امروز سی هلیون مسلمان از ارادران ما پابساک سم سنور ژاپنی نمیشدند. من امید وارم ارادران مسلمان من در دفاع از میهن مانند دفاعی که از دین و آئین خود کردند

فرمان خدارا پیروی و اطاعت کنند، در اینصورت در تاریخ ملت چین شرح مفاخر و آثار ایشان درج شده مردم گیتی آنها را بزرگوار می‌شناسند، سخن روزنامه چینی بانان یافت.

مطالعه کنندگان گرامی چون بها و قیمت کوشش را دانستید، ما سرحد امکان در راه خدا کوشش کنید.

محمد مکین چینی

مسلمین در چین

احوال اجتماعی و سیاسی ایشان

نگارگری شنیدلی واردین مسلمان چینی با نماینده
«الجامعة العربیه» در قدس

در انقائی که این کتاب را مینویسم دستانهای از علمای مسلمان چین مصر آمدند، چندین دانشجوی متجدد همراه آنها بود که میخواستند وارد جامع ازهر شوند، خبرنگاران جرأه احوال مسلمین چین را از ایشان میپرسیدند. بزرگان هبشت مزبور به قدس آمدند. چریده «الجامعة العربیه» از آنها اطلاعاتی کسب نمود، چون برای خاور نزدیک تازه ترین خبر از خاور دور است آنها را این جا مینویسم «در داستان کشتار ژانرالمسیحی و فوکیسیانک چینی که هزاران هزار مسلمان را قربانی کرد، من نخستین کسی بودم که در مصر دوز وقوع این معصیت کمر شکن بوسیله درج در چریده الشوری مردم را خیردار ساخته پیشنهاد نمودم که مسلمین بدولت چین

و سایر دول و جمعیت رابطہ شرقی دادخواهی کرده بخوانند در این جور و سنم دادگری کنند و سایر دولت‌ها نیز بیش دولت چین واسطه شوند تا حق مسلمین پایمال نگردد، ولی آنچه گفتم تأثیری نمود و سودی بخشید آری آنچه گفتم زبان من فرسود. افسوس که نمی شود این حقیقت سوزان را انکار کرد.

گفتگوی وارشین چینی با نماینده الجامعه العربیه

روود هیئت مسلمین چینی را به قدس عنایت داسته بنام چربده «الجامعه العربیه» پیش آنها رفتم این گروه عبارت بودند از آقای حاج عبداللہ صدیق جاویدین منشی دانشسرای اسلامی در پکن و هدیر چایخانه و کتابخانه آن جا و اوسنده «جله» نظارة الهلال در پکن و آقای حاج عبدالرحیم ماسون تین پیش نماز جامع «توسیبالو» در پکن و رکیل دانشسرای اسلامی آن جا. این دون در یکی از خانقاه های نشنبدی چینی گرفته بودند، او ایشان خواستہ لطفاً منشی بر خوانندگان چربده الجامعه العربیه نهادہ شرحی از مسافرت خود و احوال برادران مسلمان چینی، باز گویند، هر دو من با کمال خرسندی و گشاده رویی سخن سرا پذیرفتند چون با ایشان خبر دادم که شماره اخبار الجامعه العربیه مقاله ای از مسلمین چین داشته و پاره ای اطلاعات از آنها نوشته است بیشتر شاد شدم، اینک مختصری از گفتگوی خود را یا این دو آقا مینویسم.

در اول شعبان گذشته آقایان حاج عبداللہ صدیق جاویدین و حاج عبدالرحیم ماسون تین ریاست هیئتی چینی که عبارت از پنج دانش جو از دانشسرای اسلامی پکن بوده از آن جا بیرون آمده روز سوم ماه رمضان المبارک وارد مصر شده اند، هیئت مزبور میخواهد در ازهر شریف جای گرفته علوم

دینی اسلامی و قرآن کریم و زبان عربی را بیاموزد .

این هفتت وارد ازهر شریف شده ، حکومت و عدالت مصر
همه جور مساعدت و یاری بآنان نموده اند .

آقایان حاج عبدالله و حاج عبدالرحیم فهد دارند برای اداء حج بمکه
بروند و همین خیال یکی از اسباب است که ایشان ریاست هیئت را بعهده گرفته
بودند ، و نیز می خواسته اند بیت المقدس و مدینه منوره را زیارت کنند
و از احوال برادران اسلامی خود خبر دار شده ایشان را در این
نواحی بشناسند .

شماره مسلمین چین تقریباً پنجاه میلیون است و نزدیکاً زیاد می
شوند ، بیشتر آنان در ولایات غربی و شمالی و در ولایت « یون نسان »
در جنوب هستند حالشان خوب و رو به بهبودی است . حالت مادی ایشان
متوسط است ، ولی حالت علمی آنان در میان مردم چین بسیار خوب و
در درجه نخستین میباشد ، بیشتر مردم چین بودائی و کنتسیوسی هستند
معدودی هم مسیحی شده اند ، چون دعوات مسیحی بسیار در سائیل هادی
آنان زیاد است شماره صاری رو باز دیاد نهاده است ، مسلمان و مسیحی
در ربه علمی سازی بوده و عموماً از بودائیها برترند ، ولی کنتسیوسی
بیشتر از همه در پی تحصیل و تعلیم میباشد

در مذاهب چینی نامت شگفتی است که ششص چینی بودائی یا
کنتسیوسی که پیرو صراحت میشود گو اینکه آداب دینی مسیحی را در
کلیسیا بجای میآورد ولی برای انجام آداب دینی بودائی و کنتسیوسی
معاند و بتخانه ها می رود ، بنا براین ایشان بشکلی شگفت دو آئین را
بهم آمیخته اند ، کتب دینی صراحتی مانند تورات و انجیل را بزبان چینی

در چینه، نموده اند ولی مسلمین در احوال و آداب دینی خود مستقل و اسلام
 و نماز و روزه و زناشوئی و عبادات و خرید و فروش و آداب اسلامی
 متمسک میباشند. مسلمین گوشت خوک نمیخورند، شراب نمی نوشند
 زناشوئی جز بمسلمان نمی نمایند، بسیار نادر است که مسلمان بزنی غیر
 مسلمان تزویج کند، و اگر چنین شود باین امید است که مرد زن را
 مسلمان نماید، زن نیز پس از زناشوئی ناچار است مسلمان گردد همچنین
 از ظرفهایی که غیر مسلمان استعمال میکنند مسلمان اجتناب مینماید.

سایر طوایف چینی از مسلمانان تفریق ندارند، مسلمین بشام معنی همین
 درست بوده و با هموطنان خود با کمال وفای و اتفاق زیسته بخوبی و
 خوشی با یکدیگر آمیزش و معامله و رفتار میکنند.

علمای مسلمان در چین فران و کتب فقه و حدیث و تفسیر و
 ترحیم و بقیه علوم دینی و اسلامی را با لغت عربی خوانده و میفهمند
 ولی نمیتوانند بزبان عربی گفتگو کنند، علوم صرف و نحو و بلاغت را
 به عربی فرا گرفته و در مدارس اندریس مینمابند، حروف عربی را بکار
 میبرند همچنین زبان فارسی را میخوانند

مساجد بسیار دارند، در هر مسجدی دبستانی است، ولی دبیرستان
 و دانشکده ایشان اندک است، دانشسرای اسلامی در پکن شش دایره
 (کلاس) ابتدائی و شش ثانوی دارد. این مدارس بمسلمین اختصاص
 دارد و ایشان از خود هزینه آنها را میپردازند، مسلمین در عین حال
 در آموزشگاههای عمومی دولتی نیز تعلیم میگیرند.

بوسیله اذان اقامه نماز میکنند ولی گلدسته که جای اذان گواست
 بلند و مرتفع نمیشد، ایشان با آب گرم وضو میگیرند، در مساجد برای

رضو آب گرم حاضر است، بنظافت توجه مخصوص دارند، بیشتر مسلمین بهادرگانی و کشاورزی مشغولند.

تقریباً دوسال پیش ژنرال «فونکسیانگ» چینی مسیحی بصد دولت چین درخواستی را اطمینان بخشید و برای بکار سپاهی گرد آورد، مسلمین چین بدوستی دولت باقی مانده در برابر وی مقاومت کردند او هم خواست استان اسلیمی کانسو را ویران کند بسیاری از مسلمین را کشت و کارهای زشت نمود، گو اینکه سبب طاعنری این کشور چین بود ولی این واقعه جز تعصب ژنرال مزبور و دشمنی او نسبت به مسلمین سببی دیگر نداشت.

مسلمین چین مردی دلیر و بیباک هستند، مرد میدان و اهل جنگ و ستیزند، در ارتش چین بسیاری از ایشان بخدمت مشغول اند، افسر و ژنرالهای بزرگ دارند مانند ژنرال «عمادالدین ماخون کوی» حکمران استان کانسو که پنجاه هزار سپاهی مسلمان فرمان از هیاستند، و ژنرال «ماشین جن» حکمران استان شننگهشی - گو کونور - وی سیهزار سپاهی مسلمان دارد، و ژنرال «ماخوین» حکمران استان ننگشای، او هم ده هزار تن سپاهی مسلمان بزیر فرمان دارد، و گروهی دیگر. چون ژاپون جور و ستم را نسبت به چین خود و عادت خود قرار داده مسلمین بسایر برادران چینی خود در کینه و عداوت نسبت بوی شریک اند. مسلمین استقلال منجوری را که بکمک ژاپون بدست آمده و از چین جدا شده قبول ندارند.

زن مسلمان در چین حجاب ندارد، وی از حقوقیکه مرد آنجا

بهره مند است بهره میبرد و احوالش روی بخوبی است

رئیس جمهور کنونی چین مسلمان نیست ولی در دستور کنونی حکومتی چیزی نیست که مانع باشد مسلمان رئیس جمهور بشود. فو تن از وزیران چین مسلمان میباشند، یکی محمد ماوشیان وزیر منگولیا و ثبت که وفات یافته است، وی پدر ژنرال «عمادالدین» ماخون کوی، حکمران استان کانسو است، دیگری «ماجنکوو» که وزیر فرهنگ.

مسلمین چین پیشوای دینی مخصوص ندارند، انجمنهای محلی آداب و عادات اسلام را نگاهداری و محافظت میکنند.

این دو آقای دانشمند صحبت خود را با اینجا ختم کردند.

برای مسلمین چین که پس از مسلمین هند مهمترین جمعیت اسلامی بشمار میروند، صیل فراوان دارند. مسائل و اسبابی فراهم گردد تا روابط آنها با مسلمین گیتی محفوظ و استوار شود.

میس هر دو از آقای سید محمد افندی حسینی مفتی اکبر مساسگنداری نموده گفتند داستان اعمال درخشان او و خدماتش نسبت به مسلمین چین رسید و مسلمین آن جا وی را بسیار بزرگ میشمارند. هر دو از خدا خواستند که مقصد نیک وی بغیر و کامیابی مقرون شود.



مسلمین روسیه

نگارش امیر شکیب

در ماه حزیران سال ۱۹۲۱ بمسکو رفتم تا از نزدیک بدانم خلور از روسیه کتونی چه سودی میتواند برگیرد و اندازها این سود چیست ، از احوال مسلمین روسیه پرسش کردم و پاره‌ای از ادبای داغستان و غلزان را دیدار نموده ، آنچه میخواستم از ایشان پرسیدم ، گفته شد که در مسکو چندین هزار تاتار مسلمان هست و دو مسجد جامع دارند هم چنین در پتر و گرا در حدود ده هزار تن میباشند ، و آنها جمعی زیاد دارند ، من هر یکی از جمعه ها نماز را در یکی از دو جامع مسکو خواندم ، پیش نماز آنجا شیخ عبدالودود فتح الدین قاضی مسلمین در مسکو و پتر گراد بود ، مسلمین ولایات « مار اسنوله » و « تویر » و « یقالومنه » و دو شهر « ابوانو » و « جنینسکی » در احکام پیرو و مطیع او میباشند ، جنینسکی شهر صنعتی است که کارگر مسلمان زیاد دارد ، آنجا شیخ عبدالودود را « حضرت عبدالودود » گویند ، و ویرا محنتب میخوانند در نظر آنها محنتب کسی است که ناظر امور دینی باشد و پیش نمازها بوی مراجعه نمایند ، بنابر این استاد عبدالودود فلاح الدین در تمام بلادیکه نام بردیم محنتب است ، مرجع وی انجمن عالی اسلامی است که در شهر اوفا منعقد میباشد ، من ری را عالمی دانشمند یافتیم از امور باخبر و باور

ملت خود بینا بود، پیش از آنکه با او هم صحبت شوم خطبه ویرا در نماز جمعه شنیدم، عادات آنها چنین است که خطبه را ترکی غلزانیه که زبان ملی آنها است آغاز نموده مردم را پند و اندرز دهند، دراهم، اهوریسه که مناسب حال است گفتگو نمایند و چون خطبه باتمام رسید خطیب بر منبر میروید و خطبه رسمی را به عربی میخواند. حضرت عبدالودود برابری منبر ایستاده خطبه را ترکی شروع کرد و نیمساعت سخن گفت، با آنکه ترکی تاملری در باره ای القاعه و در تصرف افعال با ترکی عثمانی اختلاف دارد هر چه میگفت تقریباً عیب میدم، از سخنرانی و طرز صحبت او حیرت کردم، دانستم ایشان احتیاجات امروزی خود را میدانند، و آنچه را لازم است متوجه باشند توجه دارند، چون سخنرانی ترکی خاتمه یافت برادرش بمنبر رفت، وی نیز مانند او از علمست، خطبه را به عربی مانند خطبای بلاد عرب با اعراب صحیح و لفظ فصیح خواند، هیچ فرقی با خطبای عرب نداشت، پنداشتم که این سخنران مدتها در مکه یا مدینه زیسته است که میتواند حروف عربی را مانند بهترین اعراب از مخارج خود ادا کند، من در ملت ترک کسی را ندیده بودم که اینچنین توانا باشد جز آنکه از کودکی در کشور عرب زندگی نموده باشد، خواننده ترکی گو اینکه علم تجوید را خوب بدانند ولی از زبان وی دانسته میشود که ترک است، با این حال مثلاً از اداه حله و عین و واو از مخارج خود عاجز خواهد بود جز وقتی که در میان عرب آموزش و پرورش یافته باشد ولی از خطیب جامع مسکو آوار خطیب عربی را شنیدم، چون دانستم وی کشور عرب را ندیده و تجوید را در بلاد غلزان خوانده حیران شدم، باره ای دیگر از قرآء (خوانندگان) قرآن را دیدم که بلاد عرب را ندیده بودند و مثل قرآء عرب قرآن میخواندند

از آنان زیادتر حیرت کردم ، برادران ترك عثمانی ما تجوید را خوانده
و قرآن را حفظ مینمایند و همه را خوب آموخته اند ولی لہجہ آنها بطرز
قدیمی خود مانده است .

حضرت عبدالودود مرا بمنزل خود کہ برابر مسجد بود بجای دعوت
کرد ، آنجا از تشکیلات شرعی آنان پرسیدم : گفت : غازان و سیریا
و بلاد رشگرد و گرگیز و شهرهایی کہ مسلمان دارد و درحوالی مسکو
واقع شده انجمن عالی مرکزی اسلامی در شهر اوفادارند این انجمن
مرکب است از چهل تن فاضل بریاست مفتی اعظم ، مفتی اعظم امروزی
علامه جان بلودی بن محمد پاروئی است این مرد یکی از علمای زبردست
میشد و کتب متعدد تصنیف کرده ، وی اصول آموزش و پرورش اسلامی
را در روسیه اصلاح نمود و مسلمین را بیدار ساخت ، بهین سبب او را
سیریا تبعید کرده بودند ، در این انجمن تمام مسائل شرعی حل و تصفیہ
میشود ، بود ناحیہ پیرو این انجمن هستند ، در هر ناحیہ محتسبی است مانند
استاد عبدالودود ، بنابر این مرجع محتسبها انجمن عالی است و مرجع
بسنازهای مسلحد محتسبها میباشد

ترکستان بسکیلات دینی مخصوصی دارد ، مفتی اعظم آنها در تاشکند
است ، همچنین مسلمین قفقاز مفتی اعظم دارند ، مسلمین کریمه نیز مفتی
دیگری دارند

شماره مسلمین روسیه را از حضرت عبدالودود پرسیدم گفت در ولایت غازان
اورنبورسک ، اوفاد و توابع آنجا یا باشگرد ۵ ملیون و گرگیز ۵ ملیون و تاتار
سیریا نیم ملیون و ولایت ترکستان تاشکند ، سمرقند ، خوقند تا آخر
۱۲ ملیون و بخارا دو ملیون و خیوه یک ملیون کہ نبالاً میشوند ۲۵

میلیون و نیم .^۹ گفتم در ففتاز سه تا چهار میلیون داغستانی و چرکس میباشد و سه ملیون در آذربایجان ، و گرجستان و نیم ملیون یا بیشتر در کریمه هستند ، بنا بر این تقریباً ۳۳ ملیون میشوند ، اوهم گفته مرا قبول کرد . از دیگران نیز پرسیدم گفتند شماره مسلمین روسیه ۳۵ ملیون است .

در لهستان تقریباً ۱۵ هزار مسلمان میباشد که در چند ده سکنی دارند و در کشور مستقل لیتوانی از ممالک بالکان تقریباً ده هزار تن هستند ، آنها هم پاره ای دهات و مساجد دارند ، ولی عربی و ترکی را نمیدانند ، آنها بزبان لیتوانی و روسی سخن میگویند کاش چند تن از ایشانرا باسلامبول و مصر میاوردند تا عربی و ترکی را بیاموزند از آنها دانشجوی ادبی در برلن بود که اورا عضو انجمن شرقی قرار دادیم .



سید جمال الدین افغانی

فیلسوف شرفی

نگارش امیر شکیب

فیلسوف اسلام، سر دسته اعلام، ستاره سعادتیکه خدا آن را در افق خاور پس از شبهای تاریک نمایان ساخت، حجة بلند رتبه شرق، آیه درخشان حق، کسیکه «اوست رنان» فیلسوف نامی مشهور درباره او گفت: « هر وقت با او گفتگو میکردم این سینا یا ابن رشد یا یکی از بزرگان ارکان حکمت شرقی در نظرم جلوه میکرد » شهرتش بیهمه جا رسیده، کامها بنامش شیرین شده وی نابغه روزگار است، داستانش بویزه در شام و مصر و سایر بلاد عربی بر سر هر بازاری هست بنا براین نیلزی بطول کلام نیست که کمالات صوری و معنوی او یکتایک شرح داده شود اجمالاً از او بذكر و قالعی که نا امروز نوشته نشده قلعت میکنیم، راجع بوی در دو موضوع اختلاف دارند، نخست اینکه وی افغانی است و در افغانستان بوجود آمده یا بگفته بعضی ایرانی است و در همدان تولد یافته، دوم آنکه وی فیلسوفی الهی است با فیلسوفی مادی مسلمان است یا بی دین. در موضوع نخستین هر کس سید جمال الدین را شناخته میداند وی از مردم افغانستان است و از سادات کتر حسینی که در آن دیار معروف اند بوده، پدرش سید صفدر است در اسد آباد نزدیک کتر بسال ۱۲۵۴ هـ مطابق سال ۱۸۳۸ میلادی بوجود

آمده. بزرگترین شاگردان وی استاد امام‌نبیخ محمد، عمده مفتی دیار مصر در آغاز رساله‌های تألیف سید جمال‌الدین او را اینگونه که نوشتیم معرفی نموده است. من خود در مدینه منوره چند ماه پیش از جنگ عمومی سید حسین یکی از حکمرانان افغانستان از سادات کبر و افاضل آن‌ها را دیدم؛ وی نیز گفت سید جمال‌الدین رحمه‌الله از ایشان بوده، از تمام رجال دولت افغان و سفرای آن‌ها که بحکم تقدیر در اروپا ملاقات کرده‌ام همین جور شنیدم، با این حال نمیدانم این سخن مردم آن دیار که وی افغانی و سیدی حسینی و از اولاد علی و از خاندانی است که نسب و نسبش چون آفتاب روشن ورته آن‌ها در کشور افغان مشهورتر از آن است که نیازی بشرح و بسط داشته باشد با آنکه وی از همدان و در آن جا وجود آمده چه جور تطبیق باید کرد؟ استاد شیخ محمد صبیح گفته دو مین را مکرر یاد آور شده و تکذیب کرده است؛ در این رساله سید جمال‌الدین مردم یدین و لامذهب را رد نموده، عقیده توحید را بر پایه منطوق و حکمت عقلی استوار کرده و حتی را اثبات نموده، منتهی بی‌صاحب بر همین محمدی شده، تمام این مطالب را بقدرت شخصی آنگونه که برای دیگری از فلسفه سر نیست نوشته ولی ماره‌ای مردم - بویژه علمای ظاهر - نمی‌خواهند فلسفه را جز در لباس الحاد و لامذهبی بنگرند سخن عامیانه آنها است که: «من نه منطوق تزدیق - هر کس بمنطق تکیه کرد و تدقیق و کفر شد» «باین مباحثی هر خرف و کلمات جگر سوز عوام را گمراه کردند؛ آن‌ها را دشمن همیشگی حقایق علمی ساختند؛ باین وسیله جنبانی بزرگ وارد ویرانگر اسلام زخمی زدند که اثرش در انحطاط سیاسی و اجتماعی نمودار است و اینک ما آنرا بی‌چشم می‌بینیم؛ هر گاه مصالحی بیش آمد و باسم حکمت و علوم عالیه سخنی گفت؛ مردم را بآنها متوجه ساخت؛